

شاگردان رسول در چشم آل او

ترجمه ی کتاب
الصحابة عند القرابة

ترجمه:
سایت عقیده

تهیه کننده:
مرکز احیاء تراث أهل البيت

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۳ ابوبکر صدیق <small>رضی الله عنه</small>
۵ عمر بن خطاب <small>رضی الله عنه</small>
۶ شیخان؛ ابوبکر و عمر <small>رضی الله عنهما</small>
۹ عثمان ذی النورین <small>رضی الله عنه</small>
۹ ابوبکر و عمر و عثمان (رضی الله عنهم)
۱۱ خباب بن أرت <small>رضی الله عنه</small>
۱۲ طلحه بن عبیدالله <small>رضی الله عنه</small>
۱۳ زبیر بن عوام <small>رضی الله عنه</small>
۱۳ دیگر یاران پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>

ابوبکر صدیق رضی الله عنه

۱. از ابو عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که: «وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت ابوبکر رضی الله عنه با هم در غار بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت ابوبکر فرمودند که تو بسیار راستگو و درستکار هستی».^۱
۲. از حضرت علی رضی الله عنه پرسیدند: چرا مسلمانان حضرت ابوبکر را به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و به عنوان پیشوا انتخاب کردند؟ حضرت علی رضی الله عنه پاسخ دادند: «چون حضرت ابوبکر سزاوارترین مردم برای این امر و دوست و همراه پیامبر در غار و ثانی‌اثین بود و نزد پیامبر دارای جایگاهی ویژه بود و پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که خودش زنده بودند حضرت ابوبکر را به اقامه‌ی نماز (به عنوان امام جماعت) انتخاب کردند».^۲
۳. از عروه بن عبدالله روایت شده است که: در مورد تزیین کردن شمشیرها از اباجعفر محمد بن علی باقر رضی الله عنه سؤال کردم؟ گفت: «هیچ اشکالی ندارد، حضرت ابوبکر صدیق شمشیرش را تزیین کردند، خطاب به او گفتم که آیا تو می‌گویی: حضرت ابوبکر که صادق و درستکار است، این کار را انجام داده است؟ از جایش برخاست و رو به کعبه کرد و دوبار گفت: بله ابوبکر صدیق، و هر کسی به او صدیق نگوید خداوند در دنیا و آخرت هیچ حرف درستی برایش به ثبت نرساند».^۳

۱- تفسیر قمی: (۲۸۹/۱)، برهان: (۴۱۷/۳).

۲- شرح نهج البلاغه از ابن ابی حدید: (۳۳۲/۱)، به نقل از شیعه و أهل بیت (ص: ۵۱).

۳- کشف الغمه از اربلی: (۳۶۰/۲).

۴. ابو عبدالله جعفر صادق مادرش «أم فروه» دختر قاسم پسر محمد پسر ابوبکر صدیق است و مادر بزرگش «أسماء» دختر عبدالرحمن پسر ابوبکر صدیق است؛ به همین دلیل جعفر عليه السلام گفته است که: من از دو لحاظ از فرزندان حضرت ابوبکر هستم.^۱

۵. در پاسخ‌های محمد علی بن موسی بن جعفر ملقب به «جواد» بر مسأله‌های یحیی بن اکثم که در مجلس مأمون مطرح شد آمده است:
 یحیی بن اکثم گفت: روایت شده است که وقتی عمر صحبت می‌کرد آرامش خاصی به همه دست می‌داد. جواد عليه السلام در پاسخ به او گفت که فضل و بخشش حضرت عمر را انکار نمی‌کنم؛ اما حضرت ابوبکر از حضرت عمر برتر است.^۲

۱- کشف الغمه: (۳۷۴/۲).

۲- احتجاج، طبرسی: (۴۹۷/۲).

عمر بن خطاب رضی الله عنه:

۱. حضرت عمر رضی الله عنه در مورد جنگ با ایرانیان و غیرعربها با حضرت علی رضی الله عنه مشورت کرد، حضرت علی گفت: کم بودن یا زیادبودن افراد ضرر یا فایده‌ای به این کار نمی‌رساند. دین خدا از جانب خداست و خداوند به وعده‌اش عمل می‌کند و سربازانش را پیروز می‌گرداند و امروز عرب‌ها هر چند از لحاظ شمار اندک‌اند اما با وجود اسلام زیادند و سربلند به زندگی اجتماعی هستند، پس برای مردم عرب رهبری شایسته باش و آنان را راهنمایی کن و آن‌ها بدون تو سرگشته و پریشان می‌شوند، اگر از این سرزمین خارج شوی ملت‌های عرب از گوشه و کنار بر تو می‌شورند به طوری که آن چه پس از رفتن تو به جنگ جا می‌ماند، برایت مهمتر خواهد بود. اگر عرب‌ها فردا به تو بنگرند می‌گویند: این ریشه و اساس ملت عرب است اگر آن را قطع کنی راحت می‌شوی و آن طمع و حرص آن‌ها را در تو بیشتر می‌کند.^۱

۲. هنگامی که عمر فاروق رضی الله عنه در حالی که با مسلمانان نماز صبح را می‌خواند به شهادت رسید، یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و در پیشاپیش آن‌ها حضرت علی رضی الله عنه جسد مبارک وی را تشییع کردند. جنازه را در کنار قبر گذاشتند، حضرت علی در حالی که اشک از چشمانش سرازیر می‌شد، گفت: امیدوارم که خداوند تو را به دوستانت (رسول خدا صلی الله علیه و آله و صدیق) برساند، چرا که من بسیار شنیده‌ام که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: من و ابوبکر و عمر رفتیم، من و ابوبکر و عمر این کار را کردیم، من و ابوبکر و

عمر ... و من دوست دارم مانند صاحب این جنازه‌ای که در این کفن هست خداوند را ملاقات کنم.^۱

۳. هنگامی که حضرت علی رضی الله عنه وارد کوفه شد به او گفتند آیا در کاخ فرود می‌آیی؟ گفت: هیچ نیازی به این کار نیست و نمی‌خواهم به کاخ وارد شوم، چون عمر بن خطاب این کار را دوست نداشت.^۲

شیخان؛ ابوبکر و عمر رضی الله عنهما

۱. جعفر بن محمد از پدرش نقل کرده است: مردی از قریش نزد امیرالمؤمنین (علی رضی الله عنه) آمد و گفت: شنیدم که در خطبه‌ی پیشین گفتید: خداوندا با آنچه که خلفای راشدین را اصلاح کردی ما را نیز اصلاح کن، آنان (خلفای راشدین) چه کسانی هستند؟ گفت: دوستان صمیمی من و عموهای تو: حضرت ابوبکر و حضرت عمر، این دو نفر پیشوایان هدایت و بزرگان اسلام و از بزرگ‌مردان قریش بودند، هرکس که بعد از پیامبر راه آنان را پیش بگیرد و از آنان حمایت و پیروی بکند به راه راست هدایت شده است.^۳

۲. حسن مجتبی پسر علی مرتضی از ابوبکر صدیق و عمر فاروق رضی الله عنهما با احترام و متانت یاد می‌کرد و آنان را گرامی می‌داشت و حتی در شرط‌هایی که با امیر معاویه برای صلح گذاشته بود یکی این بود که معاویه باید بر اساس کتاب خدا (قرآن)، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین بر اساس روش و شیوه‌ی خلفای راشدین عمل

۱- کتاب «الشافی» اثر علم الهدی سید مرتضی، به نقل از کتاب «اذهبوا فأنتم الرافضة» از عبدالعزیز زبیری (ص: ۲۴۰).

۲- الذریعة إلی تصانیف الشیعة، از آغا بزرگ تهرانی، به نقل از کتاب «اذهبوا فأنتم الرافضة» از عبدالعزیز زبیری، (ص: ۲۴۱).

۳- تلخیص الشافی: (۲/۴۲۸)، به نقل از شیعه و اهل بیت (ص: ۵۳).

کند. در نسخه‌ی دیگری به جای «خلفای راشدین» کلمه‌ی «خلفای صالحین» به کار رفته است.^۱

۳. از زین العابدین رضی الله عنه روایت شده است که گروهی از مردم عراق نزد او آمدند و در مورد حضرت ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم صحبت کردند وقتی که سخنانشان تمام شد به آن‌ها گفت: به من خبر دهید که آیا شما از نخستین مهاجرانی هستید که از سرزمین و دیارشان بیرون رانده و از زندگی و دارایی خود محروم شدند و به دنبال فضل و خشنودی خدا بودند و آنان‌اند که صادق و بزرگوارند؟ گفتند نه، پرسید آیا شما همان کسی هستید که در سرای ایمان (مدینه‌ی منوره) پیش از مهاجران مسکن گزیدید و کسانی که مهاجرت می‌کردند با آن‌ها مهربان و خوش‌برخورد بودید و هیچ کینه و دشمنی با آن‌ها نداشتید و در آن چه به آن‌ها می‌دادید. هیچ دریغ نمی‌داشتید و آن‌ها را بر خویشتن ترجیح می‌دادید هر چند خود نیازمند بودید؟ گفتند نه از آن‌ها نیستیم. گفت پس شما جزء این گروه (مهاجرین و انصار) نیستید و من گواهی می‌دهم که شما از کسانی نیز نیستید که خداوند در مورد آن‌ها در کتابش فرموده است: «آنان که پس از مهاجرین و انصار آمدند داریم در دعا به درگاه خدا عرض می‌کنند: پروردگارا ما را و برادران دینی ما که در ایمان از ما پیشی گرفتند ببخش و در دل ما هیچ گونه کینه و حسدی نسبت به مؤمنین قرار مده» [سوره‌ی حشر، آیه: ۱۰] پس به من بگویید که شما از کدام گروه هستید؟^۲

۴. روایت شده است که مردی از جعفر صادق پرسید: ای فرزند رسول خدا! نظرت درباره‌ی حضرت ابوبکر و حضرت عمر چیست؟ صادق رضی الله عنه در پاسخ فرمود که:

۱- منتهی الآمال: (۲۱۲/۲)، به نقل از شیعه و اهل بیت (ص: ۵۶).

۲- کشف الغمه: (۲۹۱/۲).

آن‌ها دو امام عادل و دادگر بوده به حق و عدالت پایبند بودند و بر آن فوت کردند پس رحمت خداوند بر آنان باد.^۱

۵. سید مرتضی در کتابش «الشافی» از جعفر بن محمد صادق روایت کرده است که او (جعفر بن محمد) حضرت ابوبکر و حضرت عمر را صمیمانه دوست می‌داشت و به ولایت آنان اعتقاد داشت و چون به زیارت قبر می‌رفت وقتی به که بر پیامبر سلام می‌کرد به آن‌ها نیز درود و سلام می‌فرستاد.^۲

۶. از جمله سندهایی که روایت‌های ذکر شده را تأیید می‌کند یکی این است که کلینی در «الروضة» از ابوبصیر روایت کرده است که: در حضور ابو عبدالله علیه السلام نشسته بودیم که ام‌خالد نیز داخل شد و از او اجازه خواست، ابو عبدالله گفت: آیا دوست دارید که به سخنانش گوش بدهیم؟ ما در پاسخ گفتیم بله، پس به او اجازه داد و مرا بر گلیم خود نشانید، سپس ام‌خالد آمد و صحبت کرد، دیدیم زن سخنوری است، من نیز درباره‌ی ابوبکر و عمر از او پرسیدم، گفت: هرگاه پروردگارم را دیدار کنم به او می‌گویم تو مرا به دوستی و رهبری آن‌ها سفارش کردی، من نیز پذیرفتم.^۳

۱- إحقاق الحق از شوشتری: (۱۶/۱) به نقل از شیعه و اهل بیت (ص: ۵۸).

۲- کتاب الشافی: (ص: ۲۳۸)، به نقل از شیعه و اهل بیت (ص: ۵۹).

۳- روضة الكافی از کلینی، (ص: ۸۸).

عثمان ذی النورین رضی الله عنه

۱. هنگامی که عده‌ای از مردم نزد حضرت علی جمع شدند و از حضرت عثمان رضی الله عنه شکایت کردند حضرت علی رضی الله عنه پیش حضرت عثمان رضی الله عنه آمد و به او گفت: مردم پشت سر من هستند و مرا بین تو و خود سفیر کردند. به خدا قسم نمی‌دانم که به شما چه بگویم؟ من هیچ چیزی نمی‌دانم که شما از آن بی‌خبر باشید و نمی‌توانم شما را به چیزی راهنمایی کنم، هرچه ما می‌دانیم شما نیز می‌دانید در هیچ چیزی از تو پیشی نگرفتیم که به تو گوشزد کنیم و چیزی در نظر نداریم که آن را به تو بگوییم. شما مانند ما می‌بینید و می‌شنوید و شما نیز مانند ما همدم و همنشین پیامبر صلی الله علیه و آله بودید و شما کمتر از ابن ابی قحاقه و ابن خطاب به کار خیر از شما راه یافته‌تر نبودند، شما از آن‌ها به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیکتر بوده‌اید و افتخار خویشاوندی بیشتری با ایشان را دارید که آن‌ها ندارند.^۱

ابوبکر و عمر و عثمان (رضی الله عنهم)

۱. از عبدالعظیم بن عبدالله الحسنى روایت شده است که گفت: علی بن محمد بن علی الرضا از پدرش از پدران‌ش از حسن بن علی روایت نموده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا ابوبکر برای من به منزله‌ی گوش و عمر به منزله‌ی چشم من و عثمان نیز به منزله‌ی قلب و دل من است. او در ادامه گفت که فردایش حضرت ابوبکر و عمر و عثمان و حضرت علی نیز در نزد پیامبر بودند به پیامبر گفتم: ای پدر! شنیدم که در مورد یارانت بیاناتی فرموده‌ای می‌توانم بپرسم چی گفته‌ای؟

پیامبر ﷺ فرمودند: بله، سپس با دست مبارکش به آنها اشاره کرده و فرمودند:
آنها گوش و چشم و قلب من هستند.^۱

خَبَابِ بْنِ أَرْتَ ﷺ

۱. حضرت علی در مدح و ستایش خباب بن أرت فرموده‌اند که: درود و رحمت خداوند بر خباب بن أرت که با میل و اشتیاق اسلام آورد، مطیع و فرمانبردار خداوند و به اندک مال دنیا قانع بود و با تلاش در راه خدا زندگی را می‌گذراند و از بهره‌ی خودش خشنود بود.^۱

طلحه بن عبیدالله رضی الله عنه

۱. وقتی که طلحه بن عبیدالله کشته شده بود و حضرت علی از کنار او عبور کرد و او را در چنین حالتی دید گفت که ابومحمد در این مکان، غریب و تنها افتاده است و من اصلاً دوست نداشتم که در هیچ شرایطی قریش دست به چنین کاری بزند.^۱

زبیر بن عوام رضی الله عنه

طبرسی در «الاحتجاج» گفته است که: وقتی سر زبیر و شمشیر او را به نزد حضرت علی آوردند، شمشیرش را گرفت و گفت چه بسیار این شمشیر مصیبت و بلا را از سر پیامبر صلی الله علیه و آله دور کرده است.^۱

دیگر یاران پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. از موسی پسر جعفر کاظم علیه السلام روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد یارانش فرموده‌اند: من برای یارانم و پیروانم مورد اطمینان هستم و هرگاه از این جهان رخت بریندم، یارانم به آن چه وعده داده می‌شوند نزدیک می‌شوند، یارانم برای امتم مورد اطمینان هستند، و چون آن‌ها بمیرند آن چه به امتم وعده داده شده نزدیک می‌شود و پیوسته این دین بر تمام دین‌ها پیروز است تا زمانی که یکی که مرا دیده، در میانتان باشد.^۲
۲. در روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: خوشا به حال آن که مرا دیده، و خوشا به حال کسی که یکی از آنهایی را ببیند که مرا دیده و خوشا به حال کسی که کسی را دیده که آن کس نیز یکی از آنهایی را که مرا دیده، ببیند.^۳
۳. هنگامی که ابن ملجم که لعنت خداوند بر او باد ضربه‌ی شمشیر را بر پیکر مبارک حضرت علی رضی الله عنه فرود آورد و علی رضی الله عنه در حالی که مرگ را احساس می‌کرد به

۱- «الاحتجاج» از «طبرسی»: (۳۸۰/۱).

۲- بحارالانوار: (۳۰۹/۲۲، ۳۱۰)، به نقل از اصول مذهب شیعه اثنی عشر، از دکتر ناصر قفاری (ص: ۹۲۶).

۳- امالی شیخ صدوق: (ص: ۲۴۰، ۲۴۱)، بحارالانوار: (۳۰۵/۲۲)، به نقل از اصول مذهب شیعه، اثنی عشر از دکتر ناصر قفاری، (ص: ۹۲۶).

فرزندش حسن رضی الله عنه وصیت کرد که: خدا را! خدا را! در مورد امت پیامبرتان در خفا و پنهانی به آنها ظلم نکنید، و خدا را! خدا را! در مورد یاران و صحابه‌ی پیامبرتان، چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی آنها وصیت کرده است پس به خیر و نیکی با آنها رفتار کنید.^۱

۴. علی رضی الله عنه در مورد مدح و ستایش اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: من یاران و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را دیده‌ام. هیچ کسی مانند آنان نبود، آشفته و غمگین بودند و در همه حال خدا را ذکر و عبادت می‌کردند، پیوسته در رکوع و سجود بودند و در اندیشه‌ی معاد انگار بر آتش نشسته‌اند. وقتی خدا را یاد می‌کردند چشمانشان پر اشک می‌شد چنان که یقه‌هایشان خیس می‌شد و می‌لرزیدند چنان که درخت در مقابل باد شدید می‌لرزد از ترس عقاب و امید ثواب.^۲

۵. زین‌العابدین رضی الله عنه در صحیفه‌ی سجادیه در مورد مدح و ستایش صحابه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: پروردگارا! اصحاب پیامبر کسانی بسیار با اخلاق و بهترین افراد بودند، کسانی بودند که آزمایش‌های زیادی را پشت سر گذاشتند و به پیروزی رسیدند، دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفتند و راه و روش پیامبر صلی الله علیه و آله را در پیش گرفتند و به خاطر پاسخ به دعوت پیامبر از زن و فرزندانشان جدا شدند. همچنین در راه تثبیت نبوت، پدران و فرزندانشان شهید شدند و پیامبر را به پیروزی رساندند.^۳

۶. حسن عسکری رضی الله عنه در تفسیرش آورده است که: حضرت موسی از پروردگارش پرسید که آیا در نزد تو در میان یاران پیامبران کسانی هستند که گرامی‌تر و باتقواتر از یاران من باشند؟ خداوند بلند مرتبه پاسخ داد: ای موسی! آیا می‌دانی

۱- مقاتل الطالبيين از ابی فرج اصفهانی (ص: ۳۹)، کشف الغمه: (۵۹/۲).

۲- نهج البلاغه: (۲۴۴/۱).

۳- صحیفه‌ی سجادیه، چاپ دوم، دارالبلاغه.

که یاران پیامبر اسلام از تمام یاران دیگر پیامبران برتر و بزرگوارترند مانند برتری
و بزرگواری محمد صلی اللہ علیہ وسلم بر تمام پیامبران و فرستادگان دیگر.^۱

۱- تفسیر حسن عسکری: (ص: ۶۵)، چاپ هند به نقل از شیعه و اهل بیت، (ص: ۴۱).